

ابله‌ترین سارق‌های جهان

سارقی که در خانه مال باخته خوابش بر دو دستگیر شد، بهانه‌ای شد تا از خنده دار ترین سرقت‌ها بگوئیم

پرونده

برنامه‌ریزی برای یک سرقت از روزها یا حتی ماه‌ها قبل از آن، توسط سارق و همدست‌هایش صورت می‌گیرد. معمولاً سارق در این فرصت، نقشه‌ای را طراحی می‌کند که مولای درزش نرود و بتواند بدون هیچ ردیایی از خودش، به آن چیزی که می‌خواهد دست پیدا کند. با این حال، در بسیاری از مواقع هم اشتباهاتی ساده‌لوحانه باعث می‌شود تا ماجرای سرقت آن‌ها به دستگیر شدن و رفتن پشت میله‌های زندان ختم شود. یکی از این موارد، روز گذشته اتفاق افتاد که یک سارق تصمیم می‌گیرد تا برای چند دقیقه روی تخت مال باخته بخوابد و سپس از آن جا فرار کند، اما خوابش عمیق می‌شود و زمانی که چشم‌هایش را باز می‌کند، صبح شده و پلیس را بالای سر خودش می‌بیند! به همین بهانه و در پرونده امروز زندگی سلام، از خنده دار ترین سرقت های جهان خواهیم گفت.



وقتی پلیس را دیدم، فکر کردم خواب می‌بینم!

چند روز پیش، مردی با ۱۱۰ تماس می‌گیرد و می‌گوید که چند روز به سفر رفته و خانه نبوده. امروز صبح وقتی به خانه‌ام برگشتم، ناباورانه با مردی غریبه در اتاق خوابم مواجه شدم. او روی تخت من خوابیده بود و خروپف می‌کرد. از طرفی اتاق‌ها کاملاً به هم ریخته و در کمد‌ها باز بود و اثری از طلا و دلارهایم نبود. مطمئن شدم که وی به خانه‌ام دستبرد زده و بی سروصدا در اتاق را قفل کردم. سپس تیمی از

ماموران راهی خانه مرد تماس گیرنده شدند و به دستان مرد غریبه در حالی که خواب بود، دستبند زدند. آن‌طور که شواهد نشان می‌داد، وی یک سارق سریالی بود و نمی‌توانست حقیقت را کتمان کند؛ چرا که تخریب بالکن در خانه مال باخته و کشف طلا، سکه، دلار، یورو و مجسمه‌های کوچک عتیقه از داخل کوله‌پشتی وی نشان می‌داد که او نه تنها به خانه شاکي، بلکه به خانه‌های دیگر هم دستبرد زده

هم با موتورم کار می‌کردم و نمی‌توانستم بخوابم. به همین دلیل تصمیم گرفتم در خانه مال باخته برای چند دقیقه بخوابم تا همدستانم که در آن محدوده بودند، بر سبند، اما به قدری خسته بودم که از هوش رفتم و وقتی چشمانم را باز کردم، ماموران پلیس را بالای سرم دیدم و تا چند دقیقه فکر می‌کردم هنوز خوابم! اما خب از بخت بدم بیدار بودم و خواب بی‌موقع من در خانه مال باخته کار دستم داد و حالا داستان من در میان افراد خلاقار می‌پیچد و دیگر هیچ‌جا مرا استخدام نمی‌کنند!



عکس شهیم از هشتپه‌ری آتلاین

سارقی که یادش رفت پابندر دیاب دار

خلاقاری به نام «گری لی دمن» در آمریکا به اتهام ضرب و شتم و آزار و اذیت به قید وثیقه و پابندر دیاب آزاد شد تا تحت نظر پلیس باشد. این خلاقار که پس از آزادی، فعالیت‌هایش محدود شده بود و هر روز باید خود را به پلیس منطقه معرفی می‌کرد، یک روز فکر احمقانه‌ای به سرش زد و تصمیم به سرقت از یک بانک گرفت. بنابراین با خریدن یک اسلحه اسباب‌بازی به بانکی در چند کیلومتری خانه‌اش یورش برد، اما پیش از این که بتواند پولی با خود ببر دلیس بار دیابی محل حضور او به بانک رسید و خلاقار سارق را دستگیر کرد. تازه آن‌جا بود که سارق یادش آمد که پابندر دیاب دارد!



سارقی که صدایش را همه می‌شناختند

در سال ۲۰۰۲ میلادی استاد تاریخ دانشگاه جنوب فیلا دلفیا که از ریز حساب‌های بانک دانشگاه باخیر بود، تصمیم گرفت با نقشه‌ای حساب شده صندوق بانک دانشگاه را خالی کند و یک شبه پولدار شود؛ البته او فکر همه چیز را کرده بود، غیر از صدایش. روز سرقت فرار سید و استاد نقاب پوش با اسلحه‌ای در دست وارد شد و وقتی جلوی پیشخوان رسید و طلب پول کرد، ناگهان صندوقدار با شنیدن صدای استاد او را شناخت و نامش را به زبان آورد! این مرد با شنیدن نامش دستپاچه شد و پا به فرار گذاشت، اما دیگر برای فرار دیر شده بود و پلیس رد او را زد و دستگیرش کرد.



لیز خوردن وسط سرقت از فروشگاه

خرداد سال ۹۳ دو سارق مسلح، وارد فروشگاه‌ای در شهر شیراز شدند. زمانی که یکی از نگهبانان خواست در فروشگاه را ببندد، دزدان وارد عمل شدند، به نگهبان یورش بردند، او را نقش بر زمین کردند و وارد فروشگاه شدند، اما ناگهان ترمزشان برید! آن‌ها فکر یک مسئله را نکردند. این که آخر شب کارگران فروشگاه شروع به تمیزکاری می‌کنند و کف سرامیک آن‌جا را کف مالی و حسابی نمی‌می‌کنند؛ طوری که کاملاً لیز می‌شود و این گونه بود که دزدان به محض یورش به فروشگاه و محاصره نگهبان، ۷-۶ متر روی سرامیک‌های فروشگاه سر خوردند و رفتند در آغوش دو نگهبان دیگر فروشگاه که در ست روبه‌روی در، روی صندلی نشسته بودند. مردان سارق نه تنها به کیسه‌های پر از پول نرسیدند بلکه وسط فروشگاه و مقابل نگهبان‌ها زمین خوردند و سلاح قلابی‌شان روی زمین افتاد و پس از آن راهی زندان شدند.

لو دادن نشانی خانه سارق قبل از زورگیری

بودند و حتی در تماسی با برگزار کننده مهمانی، نشانی محل و همین‌طور زمان مهمانی را پرسیده بودند، بدون آن که فکر کنند طعمه‌شان هم حرف‌هایشان را می‌شنود!



لور فتن از خالکوبی نام روی گردن

این پرونده یکی از عجیب‌ترین پرونده‌های سرقت در آمریکاست که حل آن برای پلیس زمان زیادی نگرفت! مردی با سرقت از درون خودرویی که هم دور بین زیر آینه جلو داشت و هم مکان‌یاب، فکر می‌کردش کار خوبی انجام داده، ولی مسئله فقط وجود این دوربین و مکان‌یاب نبود. سارق یک خالکوبی بزرگ هم از نام و تاریخ تولد خودش روی گردنش انجام داده بود. طوری که خالکوبی به وضوح نه تنها در دوربین داخل خودرو که آنلاین برای صاحب خودرو نمایش داده می‌شد و حتی از دوربین‌های خیابان هم قابل رویت بود. این دزد خنگ بعد از دستگیری به جرایم دیگری که در گذشته انجام داده بود هم اعتراف کرد. جالب این که پلیس تعجب کرده بود با خالکوبی به این بزرگی چطور توانسته است دزدی‌های قبلی‌اش را انجام دهد!

خواستگاری از مال باخته بعد از سرقت

در آمریکایک دزدی رخ داد که حتی خود مال باخته‌ها هم فکر نمی‌کردند به این زودی دزدی‌های اموال‌شان دستگیر شوند. داستان از این قرار بود که دو خواهر جوان در حال پیاده‌روی در خارج شهر بودند که توسط سه دزد مورد سرقت قرار گرفتند. دزدها با خودرو فرار کردند، ولی هنوز چند دقیقه‌ای نگذشته بود که اتفاق جالبی افتاد. آن دو خواهر فکر نمی‌کردند که در کمترین زمان ممکن



حفر تونلی که از اتاق نگهبانی سر در آورد!

بود و خب بقیه ماجرا را خودتان می‌توانید حدس بزنید، نگهبان فروشگاه، سارق را دستگیر کرد.



درخواست مسلحانه از بانک برای واریز پول به حساب خود!

مرد جوانی به یک بانک مراجعه کرد. به سرعت به سمت باجه بانک رفت و پشت پیشخوان ایستاد و صندوقدار خواست تا یک فیش واریزی را به وی تحویل بدهد. بعد از پر کردن فیش، فیش را به صندوقدار نشان داد و با تهدید اسلحه از صندوقدار بانک خواست که فیش ۴ هزار میلیارد تومانی وی را بدون این که پولی به خودش بدهد به حسابش واریز کند! صندوقدار با دیدن تعداد صفرها، لیخندی زد و با حالت تمسخر آمیزی به پسر جوان گفت که این میزان پول در حساب جانی شود. دزد ناشی وقتی این حرف‌ها را شنید، با عصبانیت به پشت باجه بانک پرید و اسلحه‌اش را مسلح کرد و با صدای بلندی فریاد زد که یک صفر آن را بردار و بقیه را به شماره حسابم واریز کن! کارمند بانک هم به خاطر این که می‌ترسید و نمی‌توانست کاری را به مشتری‌ان آسیبی برسد، واکنشی نشان نداد. سپس او با عجله بانک را ترک کرد و به شعبه دیگری از بانک رفت تا مانده حسابش را استعمال کند! غافل از آن که کارمند بعد از خارج شدن سارق همان‌طور که حساب دزد را پر کرده بود، همان‌طور هم خالی‌اش کرده و همه اطلاعات او را هم به پلیس داده بود.

شایسته عنوان

احمق‌ترین سارق قرن ۲۱

دو سال پیش، گالری هنر مسکو در ساعت اداری خود پر از بازدید کننده بود و جلوی هر تابلو چند نفر ایستاده و به اثر خیره شده بودند. سارق ۳۱ ساله روس، همچون دیگران جلوی نقاشی یک میلیون دلاری «آی پتری کریمه» که آرکپ کوپندژی در سال ۱۹۰۸ آن را کشیده بود، ایستاد، به آن خیره شد و سپس آن را از روی دیوار برداشت و به سمت در خروجی رفت! او آن قدر با آرمش سرقت را انجام داد که هیچ کس به او شک نکرد. پلیس پس از چند روز اثر را پیدا و سارق را دستگیر کرد. کونونوف، وزیر فرهنگ روسیه، این سرقت را «شایسته ثبت به عنوان یکی از احمقانه‌ترین جرایم قرن ۲۱ خوانده بود.



سرقت از مرکز فیزیوتراپی به جای بانک

در سال ۲۰۱۱ میلادی سارقی در آلمان بدون این که از موقعیت و مکان بانک مد نظرش چیزی بدانند تنها با دیدن نام و نشانی بانک در یک روز نامه قدیمی نقشه سرقت از آن را کشید. روز سرقت بدون نگاه کردن به تابلوی ساختمان با چهره نقاب زده از در وارد شد و بدون فوت وقت زن جوانی را گروگان گرفت و درخواست ۱۰ هزار یورو کرد. سارق وقتی متوجه بهت زگی حاضران در سالن شد، دنبال صندوقدار گشت، اما هیچ فردی متوجه منظور او نشد. سپس یک نفر به سارق اعلام کرد این ۷ سال است که از بانک به مرکز فیزیوتراپی تبدیل شده است!